

A Critique and Review on the Book *Endogenous Regional Development: Leadership and Institutions*

Farhad Tarahomi*

Abstract

The book *Endogenous Regional Development: Leadership and Institutions* examines the role of the three components of leadership, institutions, and entrepreneurship in creating endogenous regional development. The main idea of the authors is that these three elements can provide the basis for the correct guidance of the two factors of resource endowment and adaptation to the market structure towards endogenous regional development. This statement is based on facts revealed in different parts of the world. The method of the present article in reviewing the book is documentary and analytical and the purpose is to evaluate the work with an emphasis on its content critique. The results of the study show that although the concepts contained in the book cover part of the scientific needs of the country, it has shortcomings such as not testing the proposed model, mentioning indicators that cannot be measured accurately, and using inappropriate criteria in measuring is one of the introduced indicators. In addition, a precise and specific definition of the region is not given. Furthermore, expressing the experiences of different regions, which makes up a large part of the book, lacks a general conclusion.

Keywords: Regional Endogenous Development, Leadership, Institutions, Entrepreneurship, Modeling.

* Postdoctoral Researcher, Alzahra University, Department of Economics, Tehran, Iran,
f.tarahomi@alzahra.ac.ir

Date received: 26/12/2020, Date of acceptance: 18/05/2021



Copyright © 2018, This is an Open Access article. This work is licensed under the Creative Commons Attribution 4.0 International License. To view a copy of this license, visit <http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/> or send a letter to Creative Commons, PO Box 1866, Mountain View, CA 94042, USA.

نقد و تحلیل کتاب

توسعه درون‌زای منطقه‌ای: رهبری و نهادها

فرهاد ترحمی*

چکیده

کتاب توسعه درون‌زای منطقه‌ای: رهبری و نهادها به بررسی نقش سه مؤلفه رهبری، نهادها، و کارآفرینی در ایجاد توسعه درون‌زای مناطق می‌پردازد. اندیشه اصلی نویسندگان آن است که سه عنصر یادشده می‌توانند زمینه را در هدایت صحیح دو عامل موهبت منابع و تناسب با ساختار بازار به سمت توسعه درون‌زای منطقه‌ای فراهم سازند. این گزاره برپایه حقایق آشکارشده در مناطق مختلف جهان حاصل شده است. روش مقاله حاضر، در بررسی کتاب، اسنادی و تحلیلی است و هدف ارزیابی اثر با تأکید بر نقد محتوایی آن است. نتیجه بررسی نشان می‌دهد که گرچه مفاهیم مندرج در کتاب بخشی از نیاز علمی کشور را پوشش می‌دهد، دارای کاستی‌هایی نظیر عدم آزمون مدل پیش‌نهادی، ذکر شاخص‌هایی که با دقت نمی‌توانند اندازه‌گیری شوند، و استفاده از معیار نامناسب در اندازه‌گیری برخی از شاخص‌های معرفی‌شده است. ضمن این‌که تعریف دقیق و مشخصی از منطقه آورده نشده است. به‌علاوه، بیان تجربیات مناطق مختلف که سهم بالایی از کتاب را تشکیل می‌دهد، فاقد نتیجه‌گیری کلی است.

کلیدواژه‌ها: توسعه درون‌زای منطقه‌ای، رهبری، نهادها، کارآفرینی، مدل‌سازی.

۱. مقدمه

کتاب حاضر درباره نقش رهبری و نهادها در ایجاد و گسترش توسعه منطقه‌ای است. نویسندگان معتقدند که به‌منظور استفاده مطلوب از منابع طبیعی، انسانی، و هم‌چنین ماهیت

* پژوهش‌گر پسادکتری، دانشگاه الزهراء، گروه علوم اقتصادی، تهران، ایران، tarahomi@alzahra.ac.ir
تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۱۰/۰۶، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۲/۲۸



تناسب با ساختار بازار منطقه به مؤلفه‌هایی خاص نیاز است که عبارت‌اند از رهبری، نهادها، و کارآفرینی. تعیین و شناسایی این مؤلفه‌ها با توجه به حقایق آشکار شده و مورد پژوهی‌های انجام گرفته در مناطق مختلف صورت پذیرفته است. در واقع، این سه عامل همانند متغیر میانجی موجب می‌شوند که فرایند توسعه درون‌زای منطقه‌ای با توجه به منابع و تناسب با ساختار بازار منطقه به نحو مطلوب صورت پذیرد. به منظور تبیین موضوع، به مدلی نیاز است که بتواند چنین فرایندی را بیان کند. در مدل ارائه شده، توسعه درون‌زای منطقه‌ای به عنوان متغیر وابسته و موهبت منابع و تناسب با ساختار بازار منطقه متغیر مستقل محسوب می‌شود. در این جهت، نویسندگان اقدام به ارائه شاخص‌هایی به منظور برآورد مدل کرده‌اند که دارای گستره‌ای زیاد است. به عنوان نمونه، در خصوص موهبت منابع سیزده شاخص معرفی شده است، ولی در نهایت از برآورد مدل در خصوص یک منطقه خاص اجتناب شده است. با توجه به این که در سال‌های اخیر توجه زیادی به بحث توسعه منطقه‌ای در اقتصاد ایران شده است و مواردی هم چون سند توسعه منطقه ساحلی مکران و سند تدبیر و توسعه استان آذربایجان شرقی تهیه و تنظیم شده است، تحلیل و بررسی اثر، به ویژه از نظر مدل‌سازی اهمیت ویژه‌ای دارد. بدین منظور سازمان‌دهی مقاله به ترتیب ذیل است؛ در بخش دوم به معرفی اثر پرداخته می‌شود. در این بخش کوشش شده است مطالب ارائه شده در کتاب مرور انتقادی شود، سپس نقد شکلی کتاب مطرح می‌شود. بخش چهارم مقاله به نقد محتوایی اثر اختصاص دارد. نتیجه‌گیری آخرین بخش مقاله را تشکیل می‌دهد.

۲. معرفی اثر

کتاب *توسعه درون‌زای منطقه‌ای: رهبری و نهادها*، نوشته رابرت استیمسون، راجر استاو، و ماریا سالازار، در پانصد نسخه و با قیمت چهل هزار تومان برای نخستین بار در سال ۱۳۹۷ توسط نشر نی به چاپ رسیده است. شریف‌زادگان و ملک‌پور اصل این کتاب را ترجمه کرده‌اند و در اختیار علاقه‌مندان فارسی‌زبان قرار داده‌اند. نویسندگان کتاب تألیفات متعددی در این خصوص دارند و مدل پیش‌نهادی خود را به صورت مقاله نیز منتشر کرده‌اند (Stimson et al. 2007). مترجمان نیز سعی کرده‌اند که مدل یادشده را در اقتصاد ایران اجرایی سازند (شریف‌زادگان و ملک‌پور ۱۳۹۵؛ شریف‌زادگان و ندایی طوسی ۱۳۹۵). در این خصوص، در کتاب‌نامه مقاله حاضر به برخی از این تحقیقات اشاره شده است. آنچه

از عنوان کتاب برمی‌آید، هدف از تألیف و ترجمه کتاب گسترش پایه‌های نظری در توسعه درون‌زای منطقه‌ای است. در این جهت، استاو (Stough)، یکی از نویسندگان کتاب، در یادداشت خود به مترجم بیان می‌کند: «این کتاب چندین کمک نوین [را] به عرصه علم منطقه‌ای رسانده است». ادعای نویسنده بر دو پایه بنیان نهاده شده است. پایه اول بر گسترش تابع تولید و تبیین رشد اقتصادی در مناطق است. به بیان دیگر، کوشش شده است تا، علاوه بر نیروی کار و سرمایه به عنوان دو عامل تولید (الگوی رشد سولو (Solow))، نقش تغییرات فناوری که ناشی از نوآوری و کارآفرینی است، برجسته شود. در واقع، می‌توان گفت که همانند لوکاس (Lucas) و بارو (Barro) که با مؤلفه سرمایه انسانی تابع تولید را گسترش دادند، نویسندگان کوشش کرده‌اند با تأکید بر نوآوری و کارآفرینی، تأثیرات رشد اقتصادی مناطق را به نحو مطلوب‌تر توضیح دهند. در خصوص اهمیت نوآوری و کارآفرینی نویسندگان معتقدند که پنجاه درصد از تغییرات تابع تولید توسط تغییرات فناورانه و خطاها توضیح داده می‌شود (Stimson et al. 2007: 14). بنابراین، لازم بود که نویسندگان با ذکر منبع ادعای خود را بیان می‌کردند. پایه دوم آن به نقش رهبری در رشد اقتصادی و تاب‌آوری منطقه‌ای اشاره خاص دارد. دو بنیان ذکر شده می‌تواند به مناطقی که در معرض مخاطرات طبیعی و مصنوعی‌اند، کمک رسانند. کتاب با پیش‌گفتار مترجمان آغاز می‌شود. متن آن بازنوشته دو مقاله‌ای است که قبلاً در مجلات و روزنامه‌های داخل کشور به چاپ رسیده است. در این بخش چنین آمده است: «کتاب با رویکرد اقتصاد آزاد نوشته شده است». گرچه نویسندگان به ناکارآمدی آن تأکید داشته‌اند و دیدگاه اصلاحی (رویکرد نهادی) را مطرح کرده‌اند (ibid.: 15). به همین دلیل، در این بخش مترجمان سعی کرده‌اند دیدگاه‌های نهادی توسعه منطقه‌ای را بیان کنند. در ابتدای پیش‌گفتار یادشده، که جامع و مفید است، بر مفاهیمی تأکید شده است که بدیهی‌اند. به عنوان نمونه، می‌توان از جملات «شناخت از مضمون‌ها، زمینه‌ها و فرایندهای اقتصاد منطقه‌ای برای ما ایرانیان می‌تواند دستاوردی ضروری باشد» و «همه عناصر اصلی توسعه منطقه‌ای، اقتصاد منطقه‌ای نیست» (استیمسون و دیگران ۱۳۹۷: ۱۵) نام برد. در ادامه این بخش بر انگاشت توسعه درون‌زا تأکید شده است، گرچه اهمیت این موضوع در ایران با توجه به مواردی نظیر ماده ۲۶ قانون برنامه ششم توسعه، سند توسعه منطقه ساحلی مکران، و سند تدبیر و توسعه استان آذربایجان شرقی به اثبات رسیده است. تاریخچه برنامه‌ریزی منطقه‌ای و شکل‌گیری آن در اروپا، آمریکا، و بیان خصوصیات و الزامات آن بخش بعدی پیش‌گفتار را تشکیل می‌دهد. سپس چالش‌های

پیش‌روی نظریه‌های نوین رشد و پاسخ توسعه درون‌زا به آن‌ها بیان شده است. در این خصوص، از نوردهاوس (Nordhaus)، برنده جایزه نوبل ۲۰۱۸ اقتصاد، نقل شده است: «توسعه درون‌زا علاوه بر ارتقای بهره‌وری بخش‌های اصلی اقتصاد، به ابعاد فرهنگی و هنجاری موجود در منطقه نیز توجه می‌کند و از این طریق است که رفاه جامعه افزایش می‌یابد» (همان: ۲۷). باتوجه به این نکته مسیرهای متعددی به منظور نیل به توسعه درون‌زا وجود دارد که به خصوصیات و ظرفیت‌های اقتصاد هر منطقه بستگی دارد. در این جهت، ره‌یافت نهادی به‌عنوان یکی از متأخرترین نگرش‌های موجود در جهت توسعه درون‌زا، بر مکان‌هایی پیش‌رو تأکید دارد که دارای ارتباطات جهانی و وابستگی‌های درونی هستند. وابستگی‌های درونی از طریق دانش، کیفیت نهادهای محلی، و هم‌چنین عادات و روابط اجتماعی کسب می‌شوند. ارتباطات جهانی نیز باعث می‌شوند که کالاها و خدمات تولیدشده در منطقه به‌فروش رسند و از این طریق درآمد کسب شود. اهمیت این فرایند به‌اندازه‌ای است که برخی اندیشمندان معتقدند که مناطق محرک اصلی اقتصاد ملی هستند، نه کشورها (همان: ۳۱). بنابراین در حال حاضر، نه تنها شرکت‌ها و کشورها، بلکه مناطق نیز با یک‌دیگر رقابت می‌کنند. ره‌یافت نهادی بر نظریه هزینه مبادله تأکید ویژه دارد. براساس این نظریه، کنش‌گران اقتصادی مطابق اندیشه‌های اقتصاد نئوکلاسیک به‌دنبال حداکثرسازی سود خود نیستند، بلکه در پی کاهش هزینه‌هایی هستند که مبادلات آن‌ها را ایجاد می‌کند. هزینه‌های مبادلات از طریق برنامه‌ریزی اقتصادی درون‌زای منطقه‌ای و با مشارکت دو بخش دولتی و خصوصی کاهش می‌یابند. دسترسی یک‌سان به خدمات آموزشی، کسب مهارت‌ها، کارآفرینی، و تسهیل فعالیت توسعه اقتصادی از طریق کارگزاران موضوعات مرتبط با ره‌یافت نهادی هستند و برای توسعه درون‌زا بسیار کارآمدند. در مجموع، ره‌یافت نهادی (که به‌منظور رشد درون‌زا اهمیت ویژه‌ای دارد)، در عرصه‌ای (منطقه‌ای) به‌وقوع می‌پیوندد که در آن نهادهای رسمی و غیررسمی تقریباً توسعه یافته باشند. در این عرصه، هزینه انواع مبادله به حداقل می‌رسد و رانت‌جویی از طریق رقابت کنترل می‌شود (همان: ۴۱). پس از پیش‌گفتار، پیش‌درآمد کتاب ارائه شده است. در این بخش آمده است: «به‌طور ویژه، پژوهش منتشرشده‌ای در زمینه مدل‌سازی و سنجش آثار رهبری بر رشد و توسعه منطقه‌ای وجود ندارد و پژوهش‌های محدودی که نقش نهادها را در نظر گرفته باشند، انجام شده است». در این بخش، ساختار کتاب شامل دو بخش و ده فصل معرفی شده است. بخش اول شامل شش فصل است. فصل اول به بیان تکامل نظریه نوین رشد در

زمینه توسعه اقتصادی منطقه می‌پردازد و «چشم‌اندازی نوین در توسعه درون‌زای منطقه‌ای» نام دارد. نویسندگان در این بخش تأکید می‌کنند که سه عامل رهبری، نهادها، و کارآفرینی نقش حیاتی در توسعه درون‌زای منطقه‌ای به‌منظور رسیدن به توسعه پایدار را ایفا می‌کنند. البته آن‌ها موهبت منابع و تناسب اقتصاد منطقه‌ای را نیز در توسعه پایدار منطقه مؤثر می‌دانند. گرچه تعریفی از تناسب منطقه‌ای ارائه نشده است (همان: ۵۸)، نکته قابل‌ملاحظه آن‌که در ابتدای کتاب از واژه «تناسب با ساختار بازار» به‌جای «تناسب اقتصاد منطقه‌ای» استفاده شده است. آنچه از محتوای این دو واژه برمی‌آید، منظور نویسندگان «ساختار اقتصاد منطقه» است. سپس نوید یک مدل بر مبنای ریاضیاتی یک‌پارچه داده می‌شود. در این مدل رهبری، نهادها، و کارآفرینی متغیرهای کلیدی هستند و نقش میانجی را برای پتانسیل منابع و عوامل بازار ایفا می‌کنند. در ادامه کوشش می‌شود که تعریفی مشخص از توسعه اقتصادی منطقه‌ای داده شود، زیرا مبحث اصلی کتاب مرتبط با این موضوع است، ولی به دلیل چندبعدی بودن این پدیده، ارائه تعریف دقیق امکان‌پذیر نیست (همان: ۵۹). بدیهی است این نکته باعث می‌شود که مدل‌سازی آن با چالش مواجه شود. در مجموع، توسعه منطقه‌ای از دیدگاه نویسندگان دارای این ویژگی‌هاست: الف. یک پدیده چندبعدی است، ب. دربرگیرنده مجموعه گسترده‌ای از عوامل و بازنمایی فرایندی پیچیده است (همان: ۶۱). ذکر این نکته لازم است که موارد یادشده توسط نویسندگان درخصوص مباحث اقتصاد توسعه نیز صادق است و صرفاً مربوط به توسعه منطقه‌ای نیست. ادامه این فصل به تکامل نظریه توسعه منطقه‌ای اختصاص دارد. در این بخش مروری بر نظریه‌های هارود-دومار (Harrod-Domar)، سولو، و روستو (Rostow) شده است. سپس، نظریه‌های قطبی‌شدن پرو (Perroux)، میردال (Myrdal)، هیرشمن (Hirschman)، و همچنین نظریه‌های رشد درون‌زا و نقش سرمایه انسانی مطرح شده است که در کتب اقتصاد توسعه با جزئیات بیشتر به آن‌ها اشاره شده است (همان: ۶۹-۷۹). گرچه مرور مختصر بر این نظریات ارزش‌مند است، در پایان این بخش، نویسندگان سه انتقاد بر مدل‌های رشد درون‌زا را به شرح ذیل وارد می‌دانند:

الف. تشخیص تقریبی بخش تولید مبتنی بر دانش در اقتصاد دشوار است؛

ب. شیوه اندازه‌گیری سرمایه انسانی؛

ج. فقدان مدل ریاضی مورد توافق که بتواند نقش عواملی هم‌چون رهبری، سرمایه

اجتماعی، و نهادها را اندازه بگیرد.

نکته قابل ملاحظه در این خصوص آن است که به نظریه ارائه شده توسط نویسندگان کتاب نیز این انتقاد وارد است، زیرا به تعبیر خود آن‌ها چهارچوب نوین پیش‌نهادی قاطعانه در درون نظریه رشد درون‌زا حک شده است (همان: ۸۲).

فصل دوم کتاب به دنبال چهارچوبی نوین برای توسعه درون‌زای منطقه‌ای است، گرچه نویسندگان اذعان دارند که چهارچوب ارائه شده اغلب مورد استفاده قرار می‌گیرد و بر مبنای حقایق آشکار شده است. وجود رهبری مقتدر، نهادهای کارآمد، موهبت منابع، و تناسب با ساختار بازار چهار ستون این چهارچوب را تشکیل می‌دهد، گرچه تأکید بیش‌تر کتاب بر دو عنصر رهبری و نهادهاست (همان: ۸۸). سپس مدل توسعه درون‌زای منطقه‌ای بیان شده است. در این مدل، توسعه درون‌زای منطقه‌ای تابعی از موهبت منابع و شرایط بازار است و سه عامل نهادها، رهبری، و کارآفرینی نقش میانجی را ایفا می‌کنند. در این بخش، از عبارت «شرایط بازار» به جای «تناسب با ساختار بازار» و «تناسب اقتصاد منطقه‌ای» استفاده شده است. در واقع سه عامل یادشده موجب می‌شوند که موهبت منابع و شرایط بازار به‌نحو مطلوب موجب توسعه درون‌زای منطقه‌ای شوند (همان: ۹۱، شکل ۲-۳). نویسندگان معتقدند که مدل یادشده ماهیت توسعه و عملکرد منطقه را تشکیل می‌دهد و می‌تواند با آزمون‌هایی نظیر تحلیل تغییر سهم (shift-share analysis) اندازه‌گیری شود (همان: ۹۲). آنچه محل تأمل است، توجه بیش از حد نویسندگان به روشی است که دارای کاستی‌هایی نظیر در نظر نگرفتن ارتباطات بین بخشی در یک منطقه است و ره‌یافتی پیشرفته و نوین ندارد. فصل سوم کتاب به بررسی ارتباط موهبت‌های منابع و تناسب با ساختار بازار می‌پردازد. فرض اصلی این فصل آن است که موهبت منابع می‌تواند سبب عملکرد بهتر منطقه (از نظر توسعه منطقه‌ای) شود (همان: ۹۵). بدین منظور آورده شده است: «توانایی رهبران محلی برای انجام اقدامات اجرایی و توانایی نهادها به‌منظور کارآمد بودن، هردو به‌طرز قابل ملاحظه‌ای به منابعی که در اختیار دارند وابسته است». منابع طبیعی موردنظر نویسندگان عبارت‌اند از مواد خام، نیروی انسانی، مدیریت، بازارها، و پول. این پنج مورد شامل مواردی چون اندازه مساحت منطقه، ساختار و گوناگونی صنعت، میزان سرمایه‌گذاری، فناوری، و سرمایه انسانی می‌شود (همان: ۹۷). تقویت منابع از طریق رهبری قوی و نهادهای کارآمد حاصل می‌شود که این نتیجه در محاسبات بین‌کشوری از طریق به‌کارگیری شاخص‌هایی نظیر نحوه حکمرانی به‌اثبات رسیده است. ضمن این‌که نویسندگان از مطالعات تجربی صورت‌گرفته در این حوزه نیز استفاده کرده‌اند

(همان: ۹۸). در ادامه واژه تناسب با ساختار بازار به صورت توانایی شرکت‌ها در منطقه به منظور وارد شدن به تجارت با سایر مناطق برای کسب سهم بازار داخل و خارج تعریف شده است که اندازه‌گیری آن دشوار است (همان: ۹۹). این تعریف برپایه چرخش از مزیت نسبی به مزیت رقابتی منطقه استوار است و دستیابی صنایع به فرصت‌های بازار را تضمین می‌کند (همان: ۱۰۴). موضوع مطرح شده توسط نویسندگان بازتاب اندیشه‌های ریکاردو (Ricardo) در خصوص مزیت نسبی و پورتر (Porter) در مورد مزیت رقابتی است و در پژوهش‌های تجربی نیز مورد استفاده قرار گرفته است. فصل چهارم به بیان نقش رهبری در توسعه منطقه‌ای اختصاص دارد. رهبری از طریق تأثیر بر نهادها می‌تواند نقش مهمی در توسعه منطقه‌ای داشته باشد (همان: ۱۰۷). منظور از رهبری همکاری بین دولت، بخش خصوصی، و اجتماع بر مبنای اعتماد و هم‌پاری متقابل است و بر مبنای روابط سلسله مراتبی سنتی نیست (همان: ۱۱۰). به علاوه، رهبری بر کارآفرینی از طریق نوآوری و گسترش محصولات و هم‌چنین رقابت کارآمد با شرکت‌های رقیب نیز تأثیر مثبت دارد (همان: ۱۱۱). در کل، رهبری بر اساس اهداف مشترک، همکاری، ایجاد تغییر، و رفتار کنش‌گرانه پویا در منطقه مصداق پیدا می‌کند (همان: ۱۲۵). تحلیل نقش نهادها بر توسعه درون‌زای منطقه‌ای فصل پنجم کتاب را تشکیل می‌دهد. نهادها دامنه گسترده‌ای از موضوع‌های مرتبط با حکم‌رانی را شامل می‌شوند. آن‌ها ساختارها و سازمان‌های قاعده‌مندی را برای اداره جامعه فراهم می‌کنند (همان: ۱۲۸). منظور از حکم‌رانی کنش، منش یا فرایند اداره کردن، و هم‌چنین ریاست یا عملکرد اداره کردن است (همان: ۱۲۹). نهادها بر اساس کاهش هزینه‌های تولید، افزایش اعتماد بین کنش‌گران اجتماعی و اقتصادی، افزایش ظرفیت کارآفرینی، تقویت سازوکارهای یادگیری و ارتباطی، و هم‌چنین استحکام شبکه‌ها می‌توانند موجب انباشت سرمایه شوند (همان: ۱۳۴). در ادامه فصل با توجه به مطالعات و شواهد تجربی به تحلیل موارد فوق پرداخته شده است (همان: ۱۲۵-۱۶۳). در این بخش مواردی هم‌چون ماهیت حکومت اجرایی، فرهنگ سازمانی و حکم‌روایی، زیرساخت‌های هوشمند، شبکه‌ها، و اتحادیه‌ها مورد بحث قرار گرفته است. فصل ششم کتاب مربوط به کارآفرینی، ارتباط آن با رهبری، شباهت‌ها، و تفاوت بین آن‌هاست. کارآفرینی بستری را در فرایند توسعه اقتصادی منطقه فراهم می‌کند که در آن انگیزه‌ها برای اکتشاف و نوآوری بیش از منفعت خالص (نفعی که فراتر از شرایط جاری مورد انتظار است) است. به بیان دیگر، کارآفرینان به دنبال بهبود رفاه اجتماعی انباشت شده در منطقه‌اند (همان:

(۱۷۱). نگرش سنتی به مقوله کارآفرینی دست‌یابی به منفعت خالص بوده است، ولی همان‌گونه که ذکر شد، انگیزش کارآفرین بخش خصوصی و عمومی در فرایند توسعه منطقه‌ای متفاوت است، هرچند وی به‌صورت غیرمستقیم به منفعت خالص نیز دست می‌یابد (همان: ۱۶۶). مصداق‌های کارآفرینان در جهت توسعه شامل مواردی هم‌چون کشف و توسعه بخش‌های صنعتی نوین هم‌چون خوشه‌های فناوری و یافتن و اکتساب منابع نوین برای اجرای راه‌بردهای توسعه می‌شود. کارآفرینان از قشرهای مختلفی نظیر حکمرانان، مدیران اجرایی، بانک‌داران، و نظایر آن تشکیل می‌شوند (همان: ۱۶۷). درکل دو دیدگاه درخصوص ماهیت کارآفرینی وجود دارد: دیدگاه شومپیتر (Schumpeter) و دیدگاه کیرزرنر (Kirzner). در هر دو دیدگاه کارآفرین برای تولید کالاها و خدمات نوین یا مسیرهای جدید برای تولید آنچه وجود دارد، ظهور می‌کند، ولی شومپیتر معتقد است که کارآفرین به‌دلیل خلق کالاها و خدمات نوین در بازار باعث عدم تعادل در سیستم‌های اقتصادی می‌شود. این در حالی است که کیرزرنر ایجاد کالاها و خدمات نوین را عامل ثبات سیستم اقتصادی می‌داند. بدیهی است نظر نویسندگان کتاب به دیدگاه کیرزرنر نزدیک‌تر است. نظریه پیش‌آیندی (contingency theory) در ادامه این بحث مطرح می‌شود. در نظریه فوق، رخدادها یا روی‌دادهای برهم‌زننده پایداری یک منطقه (نظیر حوادث طبیعی مانند کرونا یا ساخته دست بشر مانند جنگ) به‌مثابه کاتالیزوری در نظر گرفته می‌شوند که نیاز به رهبری برای به‌حرکت درآوردن سیستم به سمت تعادل مطرح شود. در این حالت، رهبر به‌مثابه یک کارآفرین از خود رفتار نوآورانه و فرصت‌طلبانه بروز می‌دهد تا بتواند زمینه را به‌منظور توسعه درون‌زای منطقه‌ای فراهم کند. بخش دوم کتاب به موردپژوهی‌های مرتبط با مباحث بخش اول کتاب اختصاص دارد. در این بخش، نمونه‌هایی از کشور آمریکا، اروپا، و کشورهای حوزه اقیانوس آرام ذکر شده است. جدول ۱ خلاصه‌ای را از آنچه در بخش دوم کتاب آورده شده است نشان می‌دهد.

جدول ۱. خلاصه مورد پژوهی‌های بخش دوم کتاب

نام منطقه	مشکل اقتصادی رخ داده	راه‌حل غلبه بر مشکل
پیتسبورگ آمریکا	فروپاشی صنعت فولاد در دهه ۱۹۸۰ میلادی که موجب افت ۴۴ درصدی شاغلان منطقه گردید.	فرایند بازآفرینی در سه مرحله انجام پذیرفت. مرحله اول شامل ایجاد رابطه مستحکم و مشارکت بین بخش دولتی و خصوصی بود. این مرحله شامل مجموعه‌ای از تغییرات نهادی و محیطی بود و به‌طور عمده توسط بخش خصوصی هدایت می‌شد و بخش عمومی نقش تسهیل‌گری برعهده داشت. در مرحله دوم، بخش عمومی نقش هدایت‌گری را برعهده گرفت. تعهد از سوی بالاترین رده‌های سیاسی علی‌رغم رهبری سیاسی درحال تغییر، لحاظ‌نمودن منافع حاصل از کسب‌وکار خصوصی، و اعتماد بین مجریان بخش عمومی و خصوصی در ابداع و اجرای راه‌بردهای توسعه از مهم‌ترین آموزه‌ها در این مرحله به‌شمار می‌رود. مرحله سوم به مشکلات پایه اقتصادی شهر توجه داشت و سعی بر این بود که جای‌گزینی به‌جای صنعت فولاد برای ایجاد اشتغال در منطقه در نظر گرفته شود. در این جهت، شرکت‌های فناوری پیشرفته به‌منظور راه‌برد مناسب در نظر گرفته شد. در این مرحله، دانشگاه‌ها و مراکز علمی نیز به همکاری با بخش‌های عمومی و خصوصی پرداختند.
هیوستون آمریکا	رکود در صنعت نفت، فقدان رهبری و نهادهای قدرتمند	مشارکت بخش عمومی و خصوصی، احداث شرکت توسعه اقتصادی در منطقه
آستین تگزاس آمریکا	ساختار شهر به‌گونه‌ای بود که عمده شاغلان آن، کارگزاران حکومتی، و کارمندان دانشگاه بودند.	کارآفرینی، مشارکت بخش دولتی و خصوصی، و رشد فناوری منجر شد که این شهر به یکی از مناطق پررونق متکی به فناوری تبدیل شود.
کلرادو آمریکا	اقتصاد منطقه مبتنی بر صنایع معدن، نفت، گاز، و هم‌چنین کشاورزی بود.	مشارکت بخش خصوصی و دولتی و کارآفرینی موجب شد که اقتصاد منطقه برپایه صنایع پیشرفته بنیان نهاده شود.
ایندیاناپولیس آمریکا	درحالی‌که بخشی از کمربند صنعتی آمریکا بود، در میانه دهه ۱۹۶۰ میلادی دچار رکود اقتصادی شد. دلیل این رکود مقبولیت روش‌های تولید ژاپنی بود که از فرایندهای تولید و فناوری‌های نوین استفاده می‌کرد.	استفاده از ظرفیت‌های بومی و محلی، حمایت از سرمایه‌ورزشی آماتور، به‌کارگیری رهبرانی که ریشه در منطقه داشتند، استفاده از سرمایه بخش خصوصی درکنار بخش عمومی.
بیرمنگام انگلستان	رکود در بخش صنعت	بهره‌گیری از مساعدت‌های مالی دو شرکت متعلق به بخش نیمه‌دولتی، پژوهش در زمینه توسعه منطقه‌ای، هم‌بازی بین احزاب و انجمن شهر

نام منطقه	مشکل اقتصادی رخ داده	راه‌حل غلبه بر مشکل
لیورپول انگلستان	رکود در بخش‌های بندرگاهی و انبارداری، نداشتن اتحاد بین بخش‌های عمومی و خصوصی، فقدان رهبری منطقه	توجه به گردش‌گری. گرچه هنوز کاستی‌های زیادی در شهر نظیر نیروی کار بی‌کیفیت و غیرماهر، سطح بالای بی‌کاری، اشتغال زیاد در بخش عمومی وجود دارد.
رنس فرانسه	بحران اقتصادی در انتهای دهه ۱۹۷۰ میلادی به دلیل نرخ رشد منفی در بخش‌های سستی اقتصاد و ورود مجموعه‌ای از ماشین‌آلات خودکار به ساختار اقتصادی شهر	گسترش آموزش برتر، بهبود زیرساخت‌های شهر، جذب صنایع فناوری پیشرفته، سرمایه اجتماعی بالا
لیل فرانسه	رکود در تولید و اشتغال بخش‌های نساجی، کشاورزی، و صنایع معدنی	پروژه عمرانی بزرگ به منظور اتصال به مناطق مختلف اروپا، بازآفرینی ارتباط بین شهر با سایر بخش‌های منطقه کلان‌شهری
فرایبورگ آلمان	رکود در بخش‌های صنایع معدنی و استخراج فلزات پس از فروپاشی سیستم کمونیستی	تشکیل یک اقتصاد بومی، کارآفرینی، تقویت فعالیت‌های فناوری و پژوهشی، گسترش کسب‌وکارهای کوچک و متوسط
تامپره فنلاند	تولید صنایع فناوری چوب و مهندسی نساجی به دلیل جنگ‌های داخلی و فروپاشی شوروی که خریدار محصولات این منطقه بود، کاهش شدیدی یافت.	حرکت از اقتصاد صنعتی به اقتصاد دانش‌بنیان، توسعه بخش فناوری اطلاعات، توسعه مراکز رشد، تجاری‌سازی بین‌المللی
روتدام هلند	ورشکستگی صنایع کشتی‌سازی، تجدید ساختار بخش‌های نفت و پتروشیمی	نوآوری و انعطاف‌پذیری در سیاست‌های اقتصادی، مشارکت بخش‌های عمومی و خصوصی
نیوکاسل استرالیا	رکود در صنایع سنگین نظیر فولاد و آهن	برنامه‌ای در مسیر خلق فرصت‌های توسعه به منظور بررسی چگونگی بازآفرینی شهری برگزار شده است، ولی تاکنون نتیجه‌ای حاصل نشده است. طبق اطلاعات موجود در کتاب، هنوز نتیجه نهایی به دست نیامده است.
هنگ کنگ	----	نرخ ارز پایدار، پایداری سیاسی، حکومت نامداخله‌گر با مالیات‌ستانی پایین
سنگاپور	وابستگی اقتصاد به بخش کشاورزی	توسعه منابع انسانی، دخالت دولت در اقتصاد با توجه به حکم‌رانی شایسته
شی‌هوا مکزیک	وابستگی اقتصاد به کشاورزی، معادن فلزی، و غیرفلزی	کارآفرینی و گسترش خوشه‌ها

جدول ۱ خلاصه‌ای از صفحات ۱۸۳ تا ۲۶۲ کتاب را شامل می‌شود. در این بخش سعی شده است تا با استفاده از حقایق آشکار شده در مناطق مختلف جهان، چگونگی گذر از مشکلات اقتصادی بیان شود. در این مناطق، علاوه بر سه عامل تسریع‌کننده توسعه درون‌زای منطقه‌ای (رهبری، کارآفرینی، و نهادها) از سایر عوامل نیز نام برده شده است، گرچه عوامل ذکر شده متنوع‌اند، ضمن این‌که ساختار اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، و سیاسی آن‌ها نیز متفاوت است. فصل آخر کتاب (فصل دهم) به مدل‌سازی توسعه اقتصادی درون‌زای منطقه‌ای می‌پردازد. در واقع، می‌توان گفت که نتیجه اثر در این فصل قرار گرفته است، زیرا امکان سنجش موارد ذکر شده در کتاب را فراهم می‌کند. در ابتدا نویسندگان به روش تحلیل‌های چندبخشی اشاره‌ای کرده‌اند، ولی این بحث در ادامه پی‌گیری نشده است (همان: ۲۶۵). سپس به مطالعات گوناگونی اشاره شده که در مناطق مختلف انجام شده است (همان: ۲۶۷). مسئله‌ای که در این فصل نمود زیادی پیدا می‌کند، مشکلات مدل عملیاتی ارائه شده است. نویسندگان بر نبود تعریفی مشخص و موردپذیرش درباره تغییرهایی که بتواند مدل توسعه درون‌زای منطقه‌ای را اندازه‌گیری کند، تأکید می‌کنند (همان: ۲۶۸). این عامل موجب می‌شود که تفاسیر متفاوت و گاه متناقضی از مقدار و روند این شاخص حاصل شود. به علاوه، عدم دسترسی به داده‌های مناسب ثانویه به منظور فراهم کردن پایه اطلاعاتی برای مناطق در سطح ایالت، استان، یا ملی از دیگر مشکلات این بخش به‌شمار می‌رود. در ادامه، متغیرهایی که می‌تواند به‌عنوان جانشین متغیر اصلی مدل مورد استفاده قرار گیرند، معرفی شده‌اند که البته برخی از آن‌ها قابل اندازه‌گیری نیستند (نظیر لایه‌های حکومتی / جدایی حکومتی) یا در خصوص برخی دیگر از شاخص‌های مناسب استفاده نشده است (ضریب مکانی به‌منظور شناسایی فعالیت‌های پایه در بخش‌های اصلی صنعتی). در پایان فصل (کتاب) نیز به نتایج دو تحقیق انجام‌شده اشاره شده است. در خصوص کاستی‌های روش‌شناسی ارائه‌شده در کتاب در ادامه مقاله به‌صورت مجزا بحث خواهد شد.

۳. نقد شکلی کتاب

الف. بخش اول کتاب از فصل دوم شروع می‌شود. این امکان وجود داشت که فصل اول در بخش نخست کتاب آورده شود. به‌طور کلی دلیل انجام این کار مشخص نشده است.

ب. تمام فصول جمع‌بندی ندارند و دلیل آن مشخص نیست. به‌عنوان نمونه، فصل سوم دارای جمع‌بندی است، ولی فصل چهارم فاقد این بخش است.

ج. در ذکر عناوین دقت کافی به عمل نیامده است. مثلاً در خصوص مورد پژوهی‌هایی از ایالات متحده، در مقابل مناطق تگزاس و پنسیلوانیا نام کشور قید شده است، ولی در مورد ایالت کلرادو چنین امری انجام نشده است (استیمسون و دیگران ۱۳۹۷: ۹). چنین موردی در خصوص شهر لیورپول نیز برقرار است.

د. گرچه اغلاط املائی در متن زیاد نیستند، ولی در چند مورد به چشم می‌خورند. همانند دورن زا (درون‌زا، همان: ۱۶)، برآن ایم (برآنیم، همان: ۵۳)، اتحادها (اتحادیه‌ها، همان: ۱۵۳) و استاندار (استاندارد، همان: ۱۶۵).

ه. از ترجمه برخی از کلمات در متن صرف‌نظر شده است؛ همانند پازل (همان: ۲۱)، عوامل کاتالیستی (همان: ۵۳)، و پروگرام (همان: ۲۱۹).

و. ترجمه برخی از عبارات به ویرایش نیاز دارد. به‌عنوان نمونه، به موارد ذیل می‌توان اشاره نمود:

- این توسعه راه‌بردهای توسعه خود را تنها بر مبنای بهبود یا ارتقای... (همان: ۲۷).
برازش این انگاشت بر توسعه فضایی... (همان: ۳۳).

- چهارچوب نوین پیش‌نهادی ما... قاطعانه در درون نظریه رشد درون‌زا حک شده است (همان: ۸۲).

- کارآفرینی در بستر توسعه اقتصادی منطقه‌ای نشئت گرفته از رهبری، متفاوت است با انگاشت کارآفرینی مطرح در بخش خصوصی (همان: ۱۶۵).

- معماری توسعه اقتصادی راه‌بردی یک منطقه را می‌توان به‌متابۀ ظرفیت‌سازی برای منطقه در خصوص رقابت با سایر مناطق انگاشت‌پردازی کرد (همان: ۲۶۷).

- این عوامل سبب می‌شوند اندازه‌گیری دقیق درباره مدل عملیاتی واجد کیفیت مه‌آلود شود (همان: ۲۶۸).

ز. مرسوم است که پانویس لغات زبان انگلیسی با حروف بزرگ آغاز شوند، در حالی‌که این نکته صرفاً در خصوص اسامی افراد رعایت شده است. ذکر این نکته لازم است که در واژه‌نامه انتهای کتاب نیز چنین وضعیتی برقرار است.

۴. نقد محتوایی کتاب

الف. استفاده از معیار نامناسب در تعیین برخی از شاخص‌ها؛ به‌عنوان نمونه، سنجش فعالیت‌های پایه یک اقتصاد با استفاده از روش سهم مکانی با تورش همراه است. بهتر است در این موارد پیوندهای بین‌بخشی منتج از جدول داده- ستانده منطقه‌ای مدنظر قرار گیرد.

ب. ذکر شاخص‌هایی که به‌دقت نمی‌تواند اندازه‌گیری شود. به‌عنوان نمونه، می‌توان به شرایط آب‌وهوایی، توپولوژی، رکود سازمانی (استیمسون و دیگران ۱۳۹۷: ۲۷۰)، لایه‌های حکومتی، جدایی حکومتی (همان: ۲۷۱)، و شرکت در فعالیت مخاطره‌آمیز و شغل‌های مرتبط با تحلیل نمادین (همان: ۲۷۲) اشاره کرد. مهم‌ترین شاخصی که درخصوص اندازه‌گیری آن ابهام وجود دارد، توسعه درون‌زای منطقه‌ای است. تغییر در سهم اشتغال یا تولید بخش‌های اقتصادی یا نرخ اشتغال در گروه‌های عمده شغلی به‌تنهایی نمی‌تواند شاخص توسعه درون‌زای منطقه‌ای را نشان دهد.

ج. تعریف دقیق و مشخصی از منطقه در کتاب آورده نشده است. در پژوهش‌های تجربی در ایران، منطقه معادل استان در نظر گرفته می‌شود، درحالی‌که در کتاب، کشورهایی نظیر هنگ‌کنگ، سنگاپور، یا برخی از ایالت‌های آمریکا، و بعضی از شهرهای انگلستان به‌عنوان منطقه در نظر گرفته شده است.

د. عدم درج عنوان «کارآفرینی» در عنوان کتاب. اگر کارآفرینی یکی از ویژگی‌های مهم رهبری محسوب می‌شود، چرا به‌صورت جداگانه و به‌عنوان یک متغیر میانجی مهم در مدل لحاظ شده است؟

ه. متغیرهای به‌کار گرفته‌شده در مدل رابطه علت و معلولی دارند، ولی تصریح مدل به‌گونه‌ای است که متغیرهای وابسته و مستقل دقیقاً مشخص شده‌اند. در این مورد نویسندگان توضیحی ارائه نداده‌اند. بهتر می‌بود که مدل پیش‌نهادی به‌صورت یک مجموعه معادله ارائه می‌شد.

و. عدم آزمون تجربی مدل ارائه‌شده. اگرچه نویسندگان اظهار داشته‌اند: «این کتاب مطالعه‌ای درحال تکمیل شدن است و بسیاری از بحث‌های دیگر منوط به آزمون تجربی مدل پیش‌نهادی خواهد بود»، ضمن این‌که می‌افزایند: «آزمون یادشده به‌دلیل فقدان اطلاعات و بانک اطلاعاتی در دسترس به‌منظور سنجش متغیرهای مرتبط با عوامل نهادی و رهبری با چالش مواجه است» (همان: ۵۳). درواقع، نویسندگان به‌صورت ضمنی اذعان کرده‌اند که آزمون مدل آن‌ها درحال حاضر امکان‌پذیر نیست و جای این سؤال را باقی می‌گذارد که در صورت نبود داده، چگونه می‌توان اعتبار مدل ارائه‌شده را سنجید و بدین‌گون، اعتبار مدل ارائه‌شده محل تردید قرار می‌گیرد. به‌طور کلی، انتظار می‌رود که در پژوهش‌های اقتصادی، مدل مورد استفاده (به‌ویژه زمانی‌که به‌عنوان نوآوری تحقیق محسوب می‌شود)، مورد آزمون تجربی قرار گیرد. ضمن این‌که با در نظر گرفتن بنیه آماری بسیاری از کشورهای درحال توسعه، امکان اجرای مدل پیش‌نهادی با چالش مواجه خواهد بود.

ز. موردپژوهی‌های ارائه‌شده در بخش دوم کتاب باید با توجه به مدل پیش‌نهادی ارائه شود. صرف ارائه اطلاعات بسیار زیاد و کلی از مناطق مختلف کافی نیست. این امکان وجود داشت که به جای توجه به حقایق آشکارشده، در جهت مدل پیش‌نهادی، روند توسعه درون‌زای مناطق منتخب تشریح می‌شد.

ح. یک نتیجه‌گیری کلی از بیان تجربیات مناطق انجام نشده است. شایسته بود به جای تقسیم مناطق برحسب قاره، براساس مشکل موجود در منطقه و روند گذر از آن تقسیم‌بندی صورت می‌گرفت. به‌عنوان نمونه، مناطقی که از نظر بخش صنعت دچار رکود شده‌اند در یک مجموعه موردبررسی قرار می‌گرفتند.

ط. برخلاف نظر نویسندگان، روش تغییر سهم یک روش توسعه‌یافته تحلیل اقتصادی منطقه نیست (همان: ۹۲). این روش حداقل در ایران سال‌هاست که مورداستفاده قرار می‌گیرد.

ی. پدیده «موهبت منابع» به‌رغم تعریفی که توسط نویسندگان ارائه شده است، همواره برقرار نیست و ممکن است «نفرتین منابع» وجود داشته باشد. به‌عنوان مثال، وجود ذخایر عظیم نفت و گاز در استان خوزستان (به‌عنوان یکی از مناطق نفت‌خیز) اگرچه به‌صورت اسمی درآمد سرانه را افزایش داده است، رشد اقتصادی و ساختار صنعتی را به‌نحو نامطلوب تحت‌تأثیر قرار داده است. در این استان، بسیاری از صنایع پایین‌دستی نفت و گاز توسعه نیافته‌اند. به‌علاوه، رشد اقتصادی به‌دلیل وابستگی به ارزش افزوده نفت با نوسان‌های شدید مواجه است. چنین وضعیتی در استان‌های دیگر نفتی ایران نظیر ایلام نیز برقرار است. ک. در اقتصاد، واژه‌ای با عنوان صنعت بندرگاهی وجود ندارد (همان: ۲۱۶). خدمات بندرگاهی زیرمجموعه خدمات حمل‌ونقل آبی است که کد دو رقمی ۵۰ آیسیک (ISIC) را شامل می‌شود. آیسیک مخفف عبارت International Standard Industrial Classification است و از سال ۱۹۴۸، تقسیم‌بندی فعالیت‌های اقتصادی بر این اساس انجام می‌شود. جدیدترین نسخه آن مربوط به سال ۲۰۰۸ است که تمامی فعالیت‌های اقتصادی را به ۹۹۰۰ فعالیت تقسیم می‌کند.

ل. فاصله زمانی نگارش کتاب با ترجمه آن ده سال است (۲۰۰۷-۲۰۱۷). طی این مدت تغییرات گسترده در اقتصاد رخ داده و بحران‌های زیادی پدید آمده است. پیش‌نهاد می‌شود که در چاپ دوم از نسخه جدید کتاب (در صورت وجود) استفاده شود یا این‌که یک موردپژوهی درخصوص یکی از مناطق ایران در انتهای کتاب توسط مترجمان صورت پذیرد.

م. عدم در نظر گرفتن آثار سرریزی (spillover effects) و بازخوردی (feedback effects) در مدل پیش‌نهادی. باتوجه به این که رشد و توسعه اقتصادی مناطق در یک کشور ارتباط تنگاتنگی با یکدیگر دارد، ضروری است این دو اثر در مدل ارائه‌شده مدنظر قرار می‌گرفت. گرچه ذکر لحاظ کردن این دو اثر به پیچیده‌تر شدن مدل منجر می‌شد، می‌توانست به‌نحو دقیق‌تر مباحث توسعه منطقه‌ای را پوشش دهد. ذکر این نکته لازم است که این نکته توسط نویسندگان محترم بیان نشده است.

ن. به‌زعم نویسندگان کتاب، مدل‌های رشد درون‌زا دارای سه کاستی است. این سه نقص عبارت‌اند از فقدان مدل ریاضی مورد توافق به‌منظور تعیین نقش رهبری، سرمایه اجتماعی و نهادها، شیوه اندازه‌گیری سرمایه انسانی و تشخیص تقریبی بخش تولید مبتنی بر دانش در اقتصاد. این در حالی است که این سه انتقاد بر مدل ارائه‌شده مؤلفان نیز وارد است و کوششی به‌منظور حل آن صورت نگرفته است.

ق. برخی از گزاره‌های علمی مطرح‌شده در کتاب به‌اثبات و توضیح بیش‌تر نیاز دارد. نویسندگان معتقدند که پنجاه درصد از تغییرات تابع تولید توسط تغییرات فناورانه و خطاها توضیح داده می‌شود. این در حالی است که مدل مورد استفاده، کشور (کشورهای) مورد مطالعه، و بازه زمانی برآورد مدل بر خوانندگان پوشیده مانده است. انتظار می‌رود در این موارد معرفی و تحلیل مدل مورد بررسی صورت پذیرد.

۵. نتیجه‌گیری

کتاب توسعه درون‌زای منطقه‌ای: رهبری و نهادها کوشش می‌کند تا در قالب یک مدل ارتباط بین موهبت منابع و ساختار اقتصادی منطقه را با توسعه درون‌زای منطقه‌ای تبیین کند. در این خصوص از سه شاخص رهبری، نهادها، و کارآفرینی به‌عنوان متغیر میانجی استفاده شده است. به همین منظور اهمیت سه شاخص میانجی توضیح داده شده است. ضمن این که از تجربیات مناطق مختلف نیز بهره گرفته شده است. مدل پیش‌نهادی گرچه جزء قدم‌های اولیه به‌شمار می‌رود، کاستی‌هایی نیز دارد. برخی از کاستی‌های آن عبارت‌اند از استفاده از معیار نامناسب در تعیین برخی از شاخص‌ها، ذکر شاخص‌هایی که به‌دقت نمی‌تواند اندازه‌گیری شود، و عدم آزمون تجربی مدل ارائه‌شده. در مجموع مطالب کتاب باتوجه به رویکرد جزء به کل (منطقه به کشور) و هم‌چنین اطلاعات مفیدی که از طریق موردپژوهی‌های انجام‌شده به خوانندگان ارائه می‌کند، بخشی از نیازهای علمی کشور را

پوشش می‌دهد. ضمن این‌که سازواری با برنامه‌های توسعه ایران دارد. ارجاع‌دهی‌های بسیار زیادی در متن انجام گرفته و سعی شده است که از منابع گوناگون استفاده شود. در ترجمه کتاب نیز حداکثر کوشش به عمل آمده که اصطلاحات تخصصی و معادل‌سازی برای واژه‌ها انجام پذیرد. با وجود این، اثر مورد بررسی درخصوص چگونگی انتخاب متغیرهای مدل و نحوه اجرای آن به بازمینی نیاز دارد و برخلاف نظر انتشارات ادوارد الگار (Edward Elgar)، یک کتاب جامع درخصوص نقش رهبری و نهادها در توسعه درون‌زای منطقه‌ای به‌شمار نمی‌آید، بلکه همانند نظر بولتن (Bolton 2010: 460) کتاب به بررسی مجدد به‌منظور ارتباطات بیش‌تر با نظریه‌های برنامه‌ریزی و موردپژوهی‌های دقیق‌تر نیاز دارد.

کتاب‌نامه

استیمسون، رابرت، راجر استاو، و ماریا سالازار (۱۳۹۷)، توسعه درون‌زای منطقه‌ای: رهبری و نهادها، ترجمه محمدحسین شریف‌زادگان و بهزاد ملک‌پور اصل، تهران: نی.

شریف‌زادگان، محمدحسین و بهزاد ملک‌پور اصل (۱۳۹۵)، «نگرشی نهادی به برنامه‌ریزی توسعه درون‌زای منطقه‌ای»، فصل‌نامه برنامه‌ریزی و بودجه، دوره ۲۰، ش ۴.

شریف‌زادگان، محمدحسین و بهزاد ملک‌پور اصل (۱۳۹۵)، «چهارچوب یک پارچه توسعه درون‌زای منطقه‌ای در ایران»، تحقیقات اقتصادی، دوره ۵۱، ش ۱.

شریف‌زادگان، محمدحسین و سحر ندایی طوسی (۱۳۹۵)، «سنجش مناسبت به‌کارگیری مؤلفه‌های موفقیت رقابت‌پذیری توسعه منطقه‌ای در ایران»، پژوهش‌های جغرافیای انسانی، دوره ۴۸، ش ۱.

Bolton, R. (2010), "Leadership and Institutional Factors in Endogenous Regional Economic Development, (Book Reviews)", *Growth and Change*, vol. 41, no. 3.

Edward Elgar Publishing (2020): <<https://www.elgaronline.com/view/9781848440593>>.

Stimson, R. and R. Stough (2007), *Regional Economic Development: Analysis and Planning Strategy*, Springer.

Stimson, R., R. Stough and M. Salazar (2015), "Leadership and Institutional Factors in Endogenous Regional Economic Development", *Investigaciones Regionales*, no, 7.